فرشید یزدانی
فعال حقوق کودک

رهاکردن نوزادان، نشانه‌ای از بحران و درد اجتماعی

طبق آمار اعلام‌شده از سوی مسئولان سازمان بهزیستی، از سال ۱۳۹۹ تا مرداد امسال، ۳۳ نوزاد رهاشده در سطح استان تهران به شیرخوارگاه‌های این سازمان تحویل داده شده است. گرچه با توجه به آمار دیگری از رشد آسیب‌های اجتماعی در کشور، این رقم به نظر چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، اما در جایگاه خود نشانه‌ای از عمق بحران اجتماعی به شمار می‌رود. رهاکردن نوزادان نوعی کودک‌آزاری مشهود به شمار می‌آید، اما در علل آن با انواع دیگری از کودک‌آزاری که عمدتا مبتنی بر خواست و عمل آگاهانه فرد (گرچه عمدتا نقش عوامل روانی و آموزش‌های ندیده افراد بزرگسال در آن مهم است) است، این شکل کودک‌آزاری گاه با نگاه مصلحت کودکان توسط والدین او صورت می‌گیرد. نگاهی که ناشی از استیصال در زندگی است. استیصالی که فرد را وادار می‌کند بخشی مهم و شاید مهم‌ترین بخش وجودی خود را در یک بلاتکلیفی و ابهام آشکار رها کند به امید آنکه سرنوشتی بهتر از خود او پیدا کند. بنابراین این اقدام در عین آنکه کودک‌آزاری (دیگرآزاری) به شمار می‌آید، نوعی خودآزاری نیز در آن نهفته است؛ خودآزاری‌ای که اثراتی مستمر و دائم در زندگی هر دو طرف بر جا می‌گذارد. در یک برداشت کلی و نه مبتنی بر مصاحبه و پژوهش میدانی، علل این اقدام را در دو قالب کلی می‌توان تبیین کرد؛ یک فقر و دوم حاملگی ناخواسته. فقر از دو زاویه بر این مسئله اثرگذار است. فقر در زمان روابط زناشویی که منجر به ایجاد نطفه می‌شود. در این مرحله افراد فاقد درآمد مناسب، امکان برخورداری هم از آموزش و هم وسایل پیشگیری لازم را ندارند؛ چراکه علی‌رغم محدودیت‌های ایجادشده در دسترسی به وسایل پیشگیری، این محدودیت‌ها نیز مانند بسیاری دیگر از محدودیت‌ها عمدتا شامل افراد کم‌درآمد می‌شود و افراد صاحب مکنت از مجموعه امکانات برخوردار هستند. پس فقر در این مرحله منجر به حاملگی ناخواسته می‌شود. مرحله دوم اثرگذاری فقر در مرحله نگهداری کودک است. اثرات عمیق فقر بر زندگی زوجین باعث می‌شود والدین و به‌ویژه مادران که به‌صورت عام جداشدن از فرزندشان جزء دردناک‌ترین اتفاق‌های زندگی آنان می‌تواند به شمار آید، راضی و در واقع مجبور می‌شوند نوزاد خود را به امید آینده‌ای بهتر در شهر رها کنند. در واقع شدت فقر چنان بر زندگی و وجوه انسانی افراد غلبه می‌کند که آنان را به این عمل دردناک رهنمون می‌کند. وجه دیگر موضوع ناشی از حاملگی ناخواسته است که این مسئله می‌تواند گاه ناشی از همان فقر پیش‌گفته باشد و گاه ناشی از مناسبات کنترل‌نشده و خارج از چارچوب ازدواج رسمی. نکته دیگر ایجاد محدودیت‌های بیشتر برای سقط جنین است که این امر امکان پیشگیری به‌موقع را از زنانی که ناخواسته بارور شده‌اند، می‌گیرد و برای آنانی دردی مستمر را در پی می‌آورد؛ درد رهاکردن کودکشان. در هر دو صورت بیشترین بار درد و رنج را زنان بر دوش می‌کشند؛ درد و رنجی ناشی از فقر و مناسبات سلطه‌گرانه و مردسالارانه در جامعه. اما پیامدهای رهاکردن نوزادان چیست؟ پیامدهای آن را نیز در سه سطح می‌توان در نظر داشت. نخست زندگی خود کودک رهاشده است. کودکی که به‌جد سرنوشت مبهمی دارد؛ بسیار مبهم‌تر از دیگر افراد جامعه. کودکی که اگر شانس بیاورد در زمان مناسب توسط خانواده‌ای به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود، ولی در هر صورت این رهاشدگی در تمام دوران زندگی با او خواهد بود و حتی اگر به خانواده‌ای واگذار شود دیر یا زود متوجه این موضوع شده و سردرگمی جاودانی برای او در پی خواهد داشت. کودکی که بسیار بیشتر از دیگر کودکان در معرض آسیب‌های روحی و روانی قرار می‌گیرد. پیامد دیگر آن برای والدین به‌ویژه مادران این کودکان است. مادرانی که با رنج و سختی کودک را در درون خود رشد داده‌اند و با رنجی مضاعف ناچار به رهاکردن و سپردن او به دست تقدیر شده‌اند. خاطره‌ای که در تمام زندگی با خود خواهند داشت و رنجی که هر لحظه تازه است و بیماری‌های روحی و روانی با خود همراه می‌آورد. پیامد سوم آن برای جامعه است. جدا از هزینه‌های اندک عمومی که برای نگهداری و واگذاری این کودکان صورت می‌گیرد که البته قابل اغماض است، اثرات عمومی وجود چنین کودکان و چنان والدینی که هر دو قربانی مناسبات ناعادلانه و سلطه‌گرانه اجتماعی هستند، کودکان و والدینی است که کمتر می‌توانند همسو با جامعه باشند؛ چراکه جامعه آنها را تنها گذاشته است و چنین سرنوشتی برای آنان رقم زده است. وجود این پدیده می‌تواند مناسبات اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و جامعه برای حل مسائل خود باید هزینه‌های بیشتر (نه‌فقط هزینه‌های مادی) پرداخت کند. بنابراین این مسئله می‌تواند حاوی هزینه‌های فراوان جمعی و فردی برای جامعه باشد، جدا از آنکه به تنهایی نشانه‌ای از عمیق‌بودن بحران اجتماعی در کشور است؛ بحرانی که افراد را وادار می‌کند پاره تن خود را در خیابان رها کنند و دردی عظیم را به جان بخرند؛ دردی که به باور نگارنده دردی اجتماعی است.

گفت‌وگوی وکیل خانواده نیکا شاکرمی با «شرق»، بعد از نتیجه پزشکی قانونی

نیکا مواد مخدر، دارو یا سمی مصرف نکرده بود

نسترن فرخه: طبق آخرین اظهارات درباره پرونده نیکا شاکرمی، در روزهای قبل، هنوز جواب قطعی پزشکی قانونی اعلام نشده بوده و فقط برخی آزمایش‌ها که نتیجه آن زودتر اعلام می‌شود، تحویل مقامات داده شده است که حالا وکیل نیکا درباره جواب پزشکی قانونی به این نکته اشاره می‌کند که نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی نشان می‌دهد نیکا مواد مخدر، الکل، دارو یا سم یا یون‌سیانید مصرف نکرده بوده است. همچنین این وکیل در گفت‌وگو با «شرق» به گزارش و تصویری که چندی پیش از شبکه سی‌ان‌ان منتشر شد و ادعا شده بود نیکا شاکرمی در آخرین لحظات در مقابل چشم یک شاهد عینی بازداشت شده، پرداخت و توضیحاتی را بیان کرد. رضا باقری، وکیل‌مدافع این خانواده، در طول گفت‌وگو اعلام کرد که ترجیح می‌دهد با رسانه‌های رسمی داخل کشور مصاحبه کند تا رسانه‌های بیگانه؛ ازاین‌رو به پرسش‌های «شرق» پاسخ داد.

الکل، مواد مخدر یا دارویی مصرف نکرده بود

رضا باقری، وکیل‌مدافع خانواده نیکا شاکرمی، در گفت‌وگو با «شرق» به روند پرونده اشاره می‌کند و می‌گوید: پرونده همچنان در دادسرای جنایی تهران و در مرحله بازپرسی است و تحقیقات در مرجع محترم قضائی ادامه دارد. این وکیل درباره نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی نیز اضافه می‌کند: نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی نشان می‌دهد نیکا مواد مخدر، الکل، دارو یا سم یا یون‌سیانید مصرف نکرده بوده است. باقری در پاسخ به این پرسش که در جواب پزشکی قانونی، نشانی از پرتاب‌شدن نیکا به پایین ساختمان مشاهده شده یا نه، می‌گوید: نظریه پزشکی قانونی هنوز به من ابلاغ قانونی نشده است.

اگر شاهدی بوده، به ما مراجعه کند

وکیل این خانواده درباره گزارشی که هفته‌های پیش از سی‌ان‌ان منتشر شد و ادعا شده بود در آخرین تصاویر و طبق اظهارات یک شاهد عینی، مأموران به دنبال نیکا شاکرمی بودند و شاهد عینی این صحنه را دیده و در آخر در همان مناطق این دختر بازداشت شده است، می‌گوید: درباره گزارش سی‌ان‌ان که ظاهرا بازنشر زیادی هم داشته، باید بگویم یکی اینکه فیلمی که نشان می‌دهد دختری در پناه خودرویی ایستاده و به راننده می‌گوید تکان نخور و ادعا شده نیکاست، درواقع مربوط به نیکا نیست. دوم اینکه در این گزارش به شهادت شاهدی به نام لادن اشاره شده که گفته: دیده است که لباس‌شخصی‌ها نیکا را بازداشت کردند. خوب طبعا اظهارات چنین فرد ناشناخته و مجهول‌الهویه‌ای فعلا ارزشی ندارد؛ مگر اینکه در نزد مرجع قضائی به‌عنوان شاهد اظهار شود. درعین‌حال اگر چنین شخصی وجود خارجی دارد و فرضا مشکلاتی برای حضور در مرجع قضائی دارد، دست‌کم به من یا انجمن ترویج حقوق شهروندی مراجعه کنند تا اظهارات‌شان را بشنویم. به هر حال ما از هر داده‌ای که قابل اعتماد و قابل استناد برای کشف حقیقت باشد، استقبال می‌کنیم.

چگونه پول مال‌باختگان را برگردانیم

چرخه تکراری دروغ

شرق: روزهای کندی که از پی هم می‌گذرند و زندگی‌هایی که به یک لحظه تمام می‌شوند، آدم‌هایی که مات و مبهوت به تاراج‌شدن زندگی‌شان نگاه می‌کنند، به پله‌های تمام‌نشدنی دادگاه‌ها، به صحبت‌های تکراری وکیل، به دستبندهای آهنی دور دستان خونسرد کسی که به جرم کلاهبردار روبه‌رویشان نشسته و با خونسردی تمام می‌گوید: «ندارم». روایت همه آنها یکی است، روایت پریشانی و اعتمادهای تمام‌شده. مصطفی یک سال و نیم تمام کارش همین بود، ایستادن روبه‌روی ملکی که برای ساختش مشارکت کرده بود. در یکی از فرعی‌های رجایی‌شهر، تمامی دارایی‌اش را در ۲۵ سالگی به میان گذاشته بود. دارایی او سنگ‌های ساختمانی بودند. سنگ‌هایی که به اعتبار پدر از سنگ‌فروش‌ها خریده بود و به «ز» داده بود. «ز» از بسازبفروش‌های معروف آن زمان که سال دیگر دوره پنج‌ساله حبسش به جرم کلاهبرداری تمام می‌شود و از کل ۲۰۰ میلیون تومانی که مصطفی به پای ساختمانش سنگ ریخته بوده، توانست ۶۴میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان را پس بگیرد. مصطفی می‌گوید در تمام این سال‌ها هیچ کاری از پیش نبرده‌اند، «ز» چیزی نداشته، یعنی حداقل وانمود کرده که چیزی ندارد، هرچند همسر و فرزندانش در عمارتی واقع در شمال شهر تهران زندگی می‌کنند که یک طبقه‌اش می‌تواند مشکل کل طلبکاران را با او حل کند. مصطفی هر سال جلوی سنگ‌فروش‌ها از خجالت آب شد. می‌گوید: «بیگاری و کارگری کردم! شاید باور نکنی. اما هر روز صبح به اسلامشهر می‌رفتم و نزد سنگ‌فروشی که بخش عمده سرمایه‌ام مال او بود، خودم سنگ را بار می‌زدم و به اصفهان می‌بردم، آنجا سنگ‌ها را خالی می‌کردم و می‌فروختم تا بدهی‌ام را بدهم. پدرم هم در کنارم بود. اما حالا همه چیزم را باختم، از همه مهم‌تر اعتمادم به آدم‌ها...». به گفته نازلی بهادری، وکیل پایه‌یک دادگستری، بحث کلاهبرداری و ارتشا در قانون مجازات اسلامی پیچیدگی‌های فراوانی دارد. او در گفت‌وگو با خبرنگار ما تصریح می‌کند: «در قانون تشدید مجازات اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، پیش‌بینی شده است که مرتکب کلاهبرداری به رد مال و پرداخت معادل آن به‌عنوان جزای نقدی محکوم خواهد شد. در عین حال به موجب نظام قضائی ما، تأسیسی تحت عنوان حبس الی یوم‌الادا، یعنی زندانی‌شدن تا بازپرداخت آنچه فرد محکوم باید بپردازد، وجود دارد که به موجب آن فردی که به لحاظ ارتکاب جرائم مالی محکوم شده است، پس از تحمل کیفر مربوط به جرم ارتکابی، در زندان می‌ماند تا زمانی که آنچه را باید بپردازد تهیه کند. توجه شود در کلاهبرداری برای بازپرداخت آنچه مجرم برده نیازی نیست که زیان‌دیده از جرم دادخواست ضرر و زیان بدهد و هزینه دادرسی پرداخت کند، بلکه دادگاه خود به این بازپرداخت حکم می‌دهد». وی تصریح می‌کند: «مشکلی که وجود دارد این است که در برخی موارد -به‌ویژه کلاهبرداری‌های سازمان‌یافته و بزرگ- فرد مجرم پول‌هایی را که به دست آورده به نحوی پنهان می‌کند، به این معنا که مثلا آنها را تبدیل به اموال غیرمنقولی به نام بستگان و دوستان خود می‌کند یا به شکل قرض یا طلا از کشور خارج یا پنهان می‌کند. مسئله کلاهبرداری‌های بزرگ به طور معمول به صورت یک پروژه اجرا می‌شود. کلاهبرداران در زمانی که چندان کوتاه نیست، با استفاده از ضعف‌ها و گرفتاری‌های مردم و احیانا طمع بعضی از اشخاص، وجوهی را گردآوری می‌کنند و ناگهان به‌اصطلاح ورشکسته می‌شوند و بررسی برای به دست آوردن اموال آنها بسیار دشوار و گاه غیرممکن است و پیشاپیش خود را برای تحمل حداکثر حبس آماده کرده‌اند و امید آن دارند که با توسل به تقدیم دادخواست اعسار از حبس یوم‌الادا نیز خلاص شوند. به نظر می‌رسد برای برخورد با این قضیه و حل این مشکل باید از تدابیر نظارتی استفاده کرد و از دیگر سو از مکانیسم‌ها و ضوابط موجود بهره جست». به گفته بهادری، مورد اول این است که باید دستگاه‌های نظارتی به‌ویژه دادسراها درباره آنچه در مبادلات اقتصادی می‌گذرد، هوشیار باشند و به‌ویژه وقتی مباحثی نظیر دعوت به سرمایه‌گذاری و گرفتن چند برابر سود متعارف یا فروش چیزهایی با اقساط غیرعادی و امثال اینها مطرح می‌شود، به فوریت نسبت به شناسایی مبادی و روشن‌کردن ابعاد قضیه اقدام کنند که البته این کاری بس دشوار و مستلزم هزینه است. این وکیل دادگستری می‌افزاید: «مورد دوم عبارت از آن است که از مکانیسم‌های موجود نظیر ابطال معاملات به قصد فرار از دین یا صدور قرار تأمین به‌موقع و فوری در جرائم مالی استفاده شود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آخرین متن قانونی که درباره معامله به قصد فرار از دین داریم، دامنه وسیعی دارد و حالات و مصادیق گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. به هر حال از آنجا که اعمال این قواعد و ضوابط با حقوق اشخاص ثالث که ممکن است گناهی نداشته باشند برخورد می‌کند، در به کار گرفتن آنها باید احتیاط شود. باز هم به این نتیجه می‌رسیم که موضوع آموزش مردم و دادن آگاهی و اطلاعات به آنها درباره این‌گونه جرائم، به عنوان پیشگیری، از برخورد پس از ارتکاب یعنی درمان مفیدتر است. در بسیاری از موارد گفته می‌شود اطلاع‌رسانی در زمینه جرائم -اعم از جرائم علیه اشخاص و اموال- باعث گسترش ترس و وحشت در جامعه می‌شود. ازاین‌رو بسیاری از موارد را علنی نمی‌کنند. حال آنکه اطلاع‌رسانی و آموزش قطعا باعث تقلیل موارد جرم خواهد شد. درخصوص کلاهبرداری نیز جز این نیست». او در پایان می‌گوید: «اگر سازوکاری وجود داشته باشد تا بتواند وضعیت دارایی کلاهبرداران را به صورت کامل مشخص کند و جلوی پنهان‌کاری را بگیرد تمام این مشکلات حل می‌شود». این تنها بخشی از ماجرایی است که مال‌باختگان با آن دست‌به‌گریبان هستند؛ مسئله‌ای که هیچ‌وقت تمام نمی‌شود؛ آدم‌هایی که دروغ می‌گویند و راهی برای اثباتش وجود ندارد. نمونه دیگر این قصه را نیلوفر روایت می‌کند. نیلوفر اسیر بازی جاری سابقش می‌شود. بعد از جدایی برادرشوهر نیلوفر از محبوبه، آنها رابطه‌شان را حفظ می‌کنند. محبوبه صندوق قرض‌الحسنه خانگی تأسیس می‌کند و دوستان نیلوفر به اعتبار او پولی را در این صندوق پس‌انداز می‌کنند. مجموع پول‌های دوستان نیلوفر در صندوق محبوبه نزدیک به صد میلیون تومان می‌شود. محبوبه مدتی بعد اعلام می‌کند که همه چیز از بین رفته است. کسی هم نمی‌تواند دروغ را اثبات کند و نیلوفر مجبور می‌شود کل پول دوستانش را با فروش خانه‌شان پس بدهد. مسئله صرفا در کلاهبرداری از اشخاص صدق نمی‌کند. در کشورهای دیگر پرداخت مالیات بخشی از افتخارات شخصی است. ثروتمندان و افراد طبقه متوسط اجتماعی بخش عمده‌ای از درآمد خود را باید مالیات پرداخت کنند. یک مثال ساده بزنیم؛ یک بازیکن فوتبال در عرصه جهانی اگر برای یک فصل بازی صد هزار دلار دریافت می‌کند، حداقل ۲۰ درصد آن را مالیات پرداخت می‌کند. این مسئله درباره جوایز مسابقات نیز صدق می‌کنند. اما در کشور ما فرار مالیاتی جزء افتخارات افراد محسوب می‌شود. چگونه می‌شود سازوکاری را در نظر گفت تا دادگاه و اداره مالیات بتوانند جلوی پنهان‌کاری‌های مؤدیان مالیاتی را بگیرند؟ رسیدن به جمله پایانی بهمن کشاورز درباره سیستم و سازوکاری که بتواند اطلاعات مالی هریک از افراد یک جامعه را در اختیار دادگستری قرار بدهد، چقدر می‌تواند شدنی باشد؟ چقدر می‌توان به امن‌بودن و همچنین خدشه‌دارنکردن حریم خصوصی مردم با استفاده از این سیستم‌ها اعتماد کرد؟

جدول ۴۳۶۵ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مرکز استان لرستان- پزشک- تیر پیکان‌دار ۲- سنگریزه- کتاب خاطران سیدناصر حسین‌پور که در ۱۷سالگی به اسارت ارتش بعث عراق درمی‌آید ۳- دایره‌ای‌شکل- نان نازک- ضربه‌ای با انگشت ۴- نوعی انرژی- نظر مجتهد در احکام شرعی فرعی- خون‌بها ۵- آسانی- شکافنده- برودت ۶- شنونده- نویسنده رمان سه‌تفنگدار- لاغر و نحیف ۷- گیرنده امواج تلویزیونی- موسیقی اصیل- از جنس آهن ۸- گشودن معما- فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ- لباس پوشیده- ارجمندی ۹- سمت‌وسو- مبادا- ذکر حاجیان در مراسم حج ۱۰- کرم کدو- شیرینی‌فروش- بنایی در پاریس به یاد پیروزی‌های ناپلئون ۱۱- رهایی‌بخش- چشم- نیکو ۱۲- نزاکت- منظم- کوره گچ‌پزی ۱۳- خباز- پدر عمار- به زیارت رفته ۱۴- مورخ و پژوهشگر معاصر و صاحب کتاب تاریخ تحلیلی اسلام- کجاست ۱۵- حرف ندا- دشنام‌گو- از پرنفوذترین سیستم‌عامل‌های موبایل

عمودی:

۱- عصبانی- دلیل و برهان- خبرگزاری ایتالیا ۲- واحد پول آفریقای جنوبی- کوهی در قزوین- برادر مادر ۳- سر و ته- تخم‌مرغ عسلی ۴- نوعی اثر موسیقایی شاد و سرگرم‌کننده- با سرعت و عجله- پول ۵- حرف همراهی- پایه‌ها- گروهی از مردم ۶- نام قدیم بیت‌المقدس- خوارداشتن و کوچک‌شمردن- نت چهارم ۷- از محبت ... حوری می‌شود- ساکنان بهشت- ستون چوبی یا فلزی ۸- سوره صدونهم قرآن- تهنیت و تبریک ۹- سراسیمگی- طولانی و پیاپی- ستاره‌ای کم‌نور در دب اکبر ۱۰- چنین باری به منزل نمی‌رسد- اسباب و لوازم- دنیا و آخرت ۱۱- قوم مغول- کودنی- حیوان وحشی ۱۲- ریگ نرم- زمان مطابق با یک رویداد تاریخی- رئیس وزارتخانه ۱۳- مقدار- از حواریون حضرت عیسی(ع) ۱۴- تازه و جدید- بازتاب- یک نفر ۱۵- کیسه پول قدیمی- کوچک- شهری در گیلان

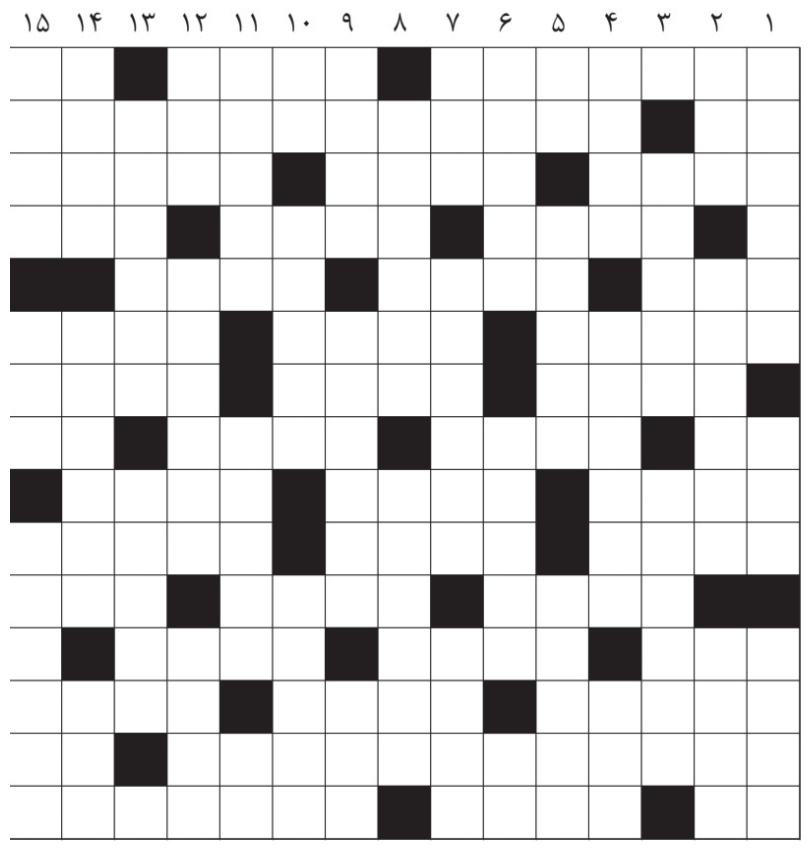

حل سودوکو سخت

۴	۹	۷	۱	۸	۳	۶	۵	۲
۲	۸	۳	۵	۷	۶	۹	۴	۱
۵	۶	۱	۲	۴	۹	۳	۷	۸
۸	۴	۹	۳	۲	۷	۵	۱	۶
۱	۳	۲	۹	۶	۵	۷	۸	۴
۶	۷	۵	۴	۱	۸	۲	۹	۳
۷	۲	۸	۶	۵	۱	۴	۳	۹
۹	۱	۶	۷	۳	۴	۸	۲	۵
۳	۵	۴	۸	۹	۲	۱	۶	۷

حل سودوکو ۳۳۶۰

۹	۲	۸	۵	۳	۷	۴	۶	۱
۱	۶	۷	۸	۴	۲	۵	۹	۳
۵	۴	۳	۹	۶	۱	۸	۷	۲
۴	۳	۲	۷	۵	۶	۹	۱	۸
۸	۱	۵	۳	۲	۹	۷	۴	۶
۶	۷	۹	۴	۱	۸	۲	۳	۵
۲	۹	۶	۱	۷	۵	۳	۸	۴
۳	۸	۱	۲	۹	۴	۶	۵	۷
۷	۵	۴	۶	۸	۳	۱	۲	۹

حل جدول ۴۳۶۴

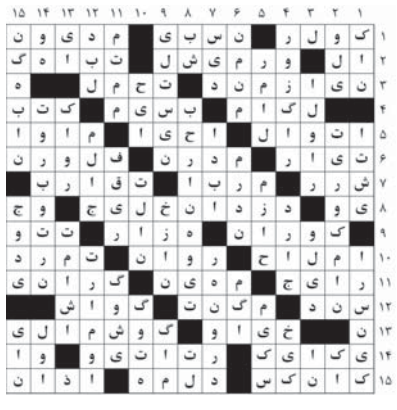

سودوکو سخت ۳۳۶۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹	۷		۴	۲			
۵	۲							
	۴	۸	۱		۵			
		۹	۴			۷		
	۷						۱	
		۱			۷	۶		
			۹		۸	۱	۶	
							۳	۵
			۳	۶		۸	۲	

سودوکو ساده ۳۳۶۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷	۵	۶		۲			۳	۱
	۲					۷		
۳		۱					۸	۹
	۳	۵			۲		۱	۷
			۴		۵			
۹	۶		۳			۵	۲	
۵	۹					۸		۲
		۴					۵	
۶	۱			۵		۹	۴	۳